

مجموعه گفتارهای علمی اخلاقی

حضرت آیت الله یثربی دامت برکاته

به سوی معرفت

تفسیر آیات ولایت و امامت

مقام عصمت

بازیچه نظریه عدالت

۱۵ آبان ۱۳۸۷

۶ ذی القعدة ۱۴۲۹

تکثیر این جزوه

با رعایت محتوا، حفظ امانت در نقل و ذکر مأخذ مجاز است



« الحمد لله رب العالمين وصلّى الله على سيّدنا محمّد وآله الطاهرين ولعنة الله على أعدائهم أجمعين » .

چکیده سخن؛

بحث در مورد فتوحات و جنگ‌هایی بود که خلفا مسئولیت آن را به عهده داشتند. این سؤال مطرح بود که آیا این فتوحات فضیلتی برای خلفا محسوب می‌شود؟ و آیا می‌توان به وسیله آن عدالت خلفا را ثابت کرد؟ در این جلسه بحثی را شروع می‌کنیم که بر بحث قبلی مترتب می‌شود و آن اینکه: از طرفی اعتقاد به عدالت صحابه از سوی اهل سنت به صورت یک قانون کلی و خدشه‌ناپذیر مطرح می‌شود و از اعتبار و جایگاه بسیار والایی برخوردار می‌باشد و از طرف دیگر طبق نقل تواریخ، مواردی دیده شده که صحابه و خلفا - مخصوصاً خلیفه دوم - با حکم رسول خدا ﷺ مخالفت کرده‌اند و حتی با رسول خدا ﷺ به منازعه پرداخته‌اند^(۱). در این بین علمای اهل سنت و مدافعان نظریه عدالت صحابه برای رفع تعارض میان این دو سخن قائل به مبانی عجیب و غیر قابل پذیرشی شده‌اند. به دیگر بیان آنها بر این مطلب اصرار دارند که همه صحابه، بدون

۱- برای اطلاع بیشتر به جزوه‌های ۳۴، ۳۰، ۴۲ و ۴۱ بنگرید.

استثناء عادل می‌باشند. نظریه پردازان عدالت صحابه دو راه بیشتر ندارند؛ یا باید اعتراف کنند که صدور این حرکت‌ها، مخالفت‌ها و تمرد کردن در برابر مقام عصمت، موجب قدح در عدالت است و انسان را از عدالت ساقط می‌کند یا اینکه عصمت رسول خدا ﷺ را انکار کنند و بدین وسیله او را مانند دیگر انسان‌های عادی قلمداد کنند که مخالفت با اوامر و فرامین آنها ضرری ندارد.

حال با اینکه عدالت صحابه امری بدون دلیل و ساختگی است؛ بزرگانی از اهل سنت در مقام رفع تعارض بین مقام عصمت و مخالفت بعضی از صحابه با اوامر رسول خدا ﷺ خود را متکفل توجیهاتی کرده‌اند که هیچ پایه و اساسی ندارند.

قول علمای بزرگ اهل سنت؛

در زمینه عصمت پیامبر اکرم ﷺ به قول علمای علم اصول، علم کلام، علم حدیث و علم فقه در میان اهل سنت رجوع می‌کنیم. علمای اهل سنت قائلند که پیامبر ﷺ هر چند معصوم می‌باشند ولی عصمت ایشان محدود است؛ به این معنا که حضرت ﷺ فقط در گرفتن و بازگو کردن وحی معصوم هستند^(۱)؛ یعنی پیامبر ﷺ همان گونه که وحی را از جبرئیل دریافت می‌نمودند؛ بدون کم و زیاد برای مردم بازگو می‌فرمودند. بدین وسیله مقام عصمت پیامبر ﷺ را حفظ می‌کنند و از طرفی به عدالت جمعی از خلفا خدشه وارد نمی‌آید. آنها برای نجات صحابه از دایره فساق قائل شدند پیامبر ﷺ که در تدبیر امور کشور

۱- از منابع اهل سنت: المحصول، جلد ۳ صفحه ۲۲۵.

داری، امنیت و اقتصاد کشور به نظر و رأی شخصی خود رجوع می‌نماید و به اجتهاد و استنباطات شخصی خود عمل می‌کنند. پس امت هم می‌توانند با رأی و نظر خود، نظری بهتر از پیامبر ﷺ ارائه کرده و با رأی پیامبر ﷺ مخالفت کنند. چون نظر پیامبر ﷺ در این زمینه قرآن نیست تا مخالفت با آن حرام باشد.

قول جصاص یکی از علمای اهل سنت؛

جصاص یکی از علمای عامه متوفای قرن ۴ هجری (سال ۳۷۰) یکی از بزرگترین علمای علم اصول می‌باشد. او در زمینه علم اصول کتابی به نام «الفصول في الاصول» نگاشته و در کتاب خود در این زمینه فصلی را مطرح می‌کند که:

«القول في أن النبي ﷺ [هل يسن من طريق الاجتهاد؟]»^(۱).

سخن در مورد اینکه آیا پیامبر ﷺ از طریق رأی و نظر خود سنتی را ابداع می‌کنند؟

و در پاسخ به این سؤال می‌گوید: این قول در میان علما اختلافی است و سه قول مطرح می‌کند:

قول اول؛

«لم يكن النبي يحكم في شيء من أمر الدين إلا من طريق الوحي لقوله تعالى ﴿وَمَا يَنْطِقُ عَنِ الْهَوَىٰ * إِنْ هُوَ إِلَّا وَحْيٌ يُوحَىٰ﴾»^(۲)»^(۳).

۱- الفصول في الاصول، جلد ۳ صفحه ۲۳۷.

۲- سورة نجم، آیه ۴ و ۳.

۳- الفصول في الاصول، جلد ۳ صفحه ۲۳۷.

پیامبر ﷺ در امور دین فقط از طریق وحی اظهار نظر می‌کنند و هیچ نظر شخصی ندارند دلیل آن آیه قرآن است که «هرگز از روی هوای نفس سخن نمی‌گوید» آنچه می‌گوید چیزی جز وحی که بر او نازل شده نیست».

قول دوم؛

در موردی که آیه قرآن اظهار نظر نکرده است. در این مورد پیامبر ﷺ می‌توانند اظهار نظر شخصی کنند و طبق رأی و اجتهاد خود عمل کنند^(۱).

قول سوم؛

این نظریه می‌گوید بعضی از سنت‌های پیامبر ﷺ، و حیانی است و از طرف خدا به پیامبر ﷺ الهام می‌شود و ایشان هم برای مردم بیان می‌کنند. اما در بعضی از موارد که وحی در کار نبوده پیامبر ﷺ شخصاً اظهار نظر کرده و رأی و اجتهاد خود را بیان فرموده‌اند. بعد این عالم اهل سنت در ادامه قول سوم می‌گوید:

«وهذا هو الصحيح عندنا»^(۲).

این [قول سوم] نزد ما صحیح است.

ادله پذیرش قول سوم؛

وی پس از آنکه قول سوم را بر می‌گزیند؛ برای اثبات مدّعی خود دلایلی اقامه می‌کند که شامل موارد ذیل می‌باشند.

۱- همان.

۲- الفصول في الاصول، جلد ۳ صفحه ۲۳۹.

۱- آیه: ﴿وَلَوْ رَدُّهُ إِلَى الرَّسُولِ وَإِلَى أُولِي الْأَمْرِ مِنْهُمْ لَعَلِمَهُ الَّذِينَ يَسْتَنْبِطُونَهُ مِنْهُمْ﴾^(۱).

اگر آن را به پیامبر و پیشوایان - که قدرت تشخیص کافی دارند - باز گردانند، از ریشه‌های مسائل آگاه خواهند شد. مؤلف این کتاب در توضیح آیه گفته: وقتی خداوند استنباط را به جمعی منتسب می‌کند؛ یعنی پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ هم یکی از افرادی است که از روی استنباط و رأی شخصی خودشان مبادرت به انجام کارها می‌نمایند^(۲).

۲- آیه: ﴿فَاعْتَبِرُوا يَا أُولِي الْأَبْصَارِ﴾^(۳).

ای صاحبان عقل و خرد از حوادث پند و عبرت بگیرید. بعد در توضیح می‌گوید:

«وَالنَّبِيِّ مِنْ أَجْلِهِمْ»^(۴).

و پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ از بزرگان ایشان [ولی الابصار] می‌باشند.

در این آیه به خود پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ هم با همه عظمت و بزرگی دستور عبرت‌گیری داده شده است. معلوم می‌شود پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ نیز در بعضی مواقع اشتباه می‌کنند و إلا به ایشان دستور پندگیری داده نمی‌شد.

۳- او به عنوان سومین دلیل خود داستانی از قضاوت داود و سلیمان بن داود که در سوره انبیاء وارد شده است را نقل می‌کند خداوند در قرآن می‌فرماید:

۱- سوره نساء، آیه ۸۳.

۲- الفصول في الاصول، جلد ۳ صفحه ۲۴۰.

۳- سوره حشر، آیه ۲.

۴- الفصول في الاصول، جلد ۳ صفحه ۲۴۰.

﴿فَفَهَّمْنَاهَا سُلَيْمَانَ وَكُلًّا آتَيْنَا حُكْمًا وَعِلْمًا﴾^(۱).

ما حکم آن را به سلیمان فهمانیدیم و به هریک از آنان شایستگی داوری و علم فراوان دادیم.

وی در توضیح می‌گوید: قضاوتی که داود و سلیمان داشتند از روی اجتهادات شخصیّه بودند طبق وحی الهی؛ چون اگر ملاک قضاوت این دو پیامبر صلی الله علیهما وحی بود؛ می‌بایست نام حضرت داود علیه السلام نیز در کنار نام حضرت سلیمان علیه السلام در آیه فوق ذکر می‌شد، حال آنکه خداوند متعال تنها نام حضرت سلیمان علیه السلام را ذکر کرده و حکم را تنها به ایشان فهمانده است. اگر وحی سرچشمه قضاوت آنها بوده؛ چون همه انبیاء صلی الله علیهم دارای مقام وحی هستند، به حضرت داود علیه السلام هم می‌بایست وحی می‌شد^(۲).

۴- این دلیل او تقریباً عقلی است وی می‌گوید: آنچه که ظاهر است این که همه علما دارای قوه استنباط و اجتهاد می‌باشند. حال نمی‌شود حافظ و آورنده این مکتب خود دارای این درجه نباشد یا درجه‌ای پایین‌تر از علما داشته باشد. پس پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم بالاترین درجه اجتهاد را دارا می‌باشند.

۵- آیه ﴿وَسَاوِرُهُمْ فِي الْأَمْرِ﴾^(۳).

با آنان مشورت کن.

خداوند در این آیه شریف به پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم دستور می‌دهد که با مسلمانان

۱- سوره انبیاء، آیه ۷۹.

۲- الفصول فی الاصول، جلد ۳ صفحه ۲۴۰.

۳- سوره آل عمران، آیه ۱۵۹.

مشورت نماید. پیامبر ﷺ نیز عملاً با مسلمانان در امور کشور داری و جنگ‌ها مشورت می‌کرد^(۱). این بدان معنا است که پیامبر ﷺ نیز در امور اجتماعی خود مانند دیگران رأی شخصی داشته و استنباط می‌فرمودند.

نمونه‌ها؛

جصاص پس از ذکر این دلیل چند نمونه از مشورت‌های پیامبر ﷺ را ذکر می‌کند. از آن جمله:

۱- **در جنگ بدر:** پیامبر ﷺ با مردم برای تعیین محلّ رویارویی مسلمانان با قافله قریش و پس از اتمام جنگ در مورد اینکه با اسرا قریش چه کنند، با عمر و ابو بکر به مشاوره پرداختند^(۲).

۲- **در واقعه خندق:** پیامبر ﷺ تصمیم گرفتند با اهل مکه و همه طوایفی که گرد آمده بودند پیمان سازش و ترک مخاصمه امضا کنند. اهل مکه و طوایف همراه آنها گفتند: یا رسول الله ﷺ ما راه زیادی آمده و پول زیادی خرج کردیم تکلیف ما چیست؟ پیامبر ﷺ فرمودند: نصف خرما می‌امسال مدینه متعلق به شما می‌باشد^(۳). سپس پیامبر ﷺ به کاتبی فرمودند: این سخنان را ثبت کن. وقتی نگارش معاهده به اتمام رسید پیامبر ﷺ عده‌ای از انصار را احضار فرمودند تا این پیمان مورد امضا طرفین قرار بگیرد. انصار حاضر در مجلس از

۱- الفصول في الاصول، جلد ۳ صفحه ۲۴۰.

۲- همان.

۳- همان.

پیامبر ﷺ سؤال کردند:

«یا رسول الله ﷺ! أراي رأيته؟ أم وحيي؟ فقال ﷺ: بل رأيي؟ فقالوا إنا لا نعطيهم شيئاً وكانوا لا يطمعون فيها في الجاهلية... فكيف وقد أعزنا الله بالإسلام»^(۱).

ای رسول خدا ﷺ! دستوری که فرمودید رأی شخصی بود یا وحی از جانب خدا؟ پیامبر ﷺ فرمودند: رأی شخصی است. پس انصار گفتند: ما چیزی به آنها نمی‌دهیم. آنها در زمان جاهلیت هیچ طمعی به مال ما نداشتند... و چگونه الآن که با اسلام عزیز و بزرگ شدیم به اموال ما طمع ورزیده‌اند.

او در ادامه می‌گوید: در این جریان دستور پیامبر ﷺ اجتهاد شخصی و اشتباه بود، لذا در برابر اجتهاد انصار عقب نشینی کردند.

۶- آیه: ﴿عَفَا اللَّهُ عَنْكَ لِمَ أَذْنَتَ لَهُمْ حَتَّى يَتَّبِعَنَ لَكَ الَّذِينَ صَدَقُوا وَتَعْلَمَ الْكَافِرِينَ﴾^(۲).

خداوند تو را بخشید چرا پیش از آنکه راستگویان و دروغگویان را بشناسی به آنها اجازه دادی؟

در این آیه، خداوند پیامبر ﷺ را مورد عتاب قرار می‌دهد که چرا پیش از آنکه راستگویان از دروغ‌گویان شناخته شوند به برخی از صحابه اجازه شرکت نکردن در جنگ داده‌اند. این عتاب هم بیانگر آن است که پیامبر ﷺ اشتباه

۱- الفصول في الاصول، جلد ۳ صفحه ۲۴۱.

۲- سورة توبه، آیه ۴۳.

کرده و رأی شخصی صادر نمودند.

۷- در جریان تبلیغ **سوره براءت**: قرار بر این شد که پیامبر ﷺ این سوره را

به اهل مکه ابلاغ کنند؛ لذا ابوبکر را مأمور این کار کردند. سپس:

« فَأَوْحَى اللَّهُ عزَّوَجَلَّ إِلَيْهِ لَا يُوَدِّيْ عَنكَ إِلَّا أَنْتَ أَوْ رَجُلٌ مِّنْكَ فَدَفَعَهَا إِلَى عَلِيٍّ عَلَيْهِ السَّلَامُ »^(۱).

وحی آمد که ای رسول خدا ﷺ! این وظیفه اداء نمی شود مگر از طرف خودت یا کسی که از تو باشد. پس از این بود که پیامبر ﷺ

آیات را از ابوبکر گرفته و به امیرالمؤمنین علیؓ تحویل دادند.

در اینجا هم می گوید پیامبر ﷺ اول طبق نظر شخصی خود فرمان ابلاغ آیات را به ابوبکر دادند ولی بعد وحی آمد که امیرالمؤمنین علیؓ برای این کار صلاحیت دارند. پس پیامبر ﷺ در مرحله اول، در اجتهاد خود دچار اشتباه شدند^(۲).

پاسخ جصاص به پرسشی مهم؛

او پس از بیان این هفت دلیل و در ادامه بحث خود، سؤالی را مطرح می کند و برای آن دو پاسخ ذکر می کند.

آنچه در جریان بیان این هفت دلیل برای ما محرز می شود این است که وقتی پیامبر ﷺ از روی اجتهاد خود نظر می دهند و ممکن است اشتباه کنند؛ پس

۱- بحار الانوار، جلد ۲۱ صفحه ۲۷۵، از منابع اهل سنت: مسند احمد، جلد ۱ صفحه ۱۵۱.

۲- الفصول في الاصول، جلد ۳ صفحه ۲۴۱.

اشکالی ندارد که دیگران هم بتوانند مانند پیامبر ﷺ اجتهاد کرده و رأیی غیر از رأی پیامبر ﷺ صادر کنند و در نتیجه با قول پیامبر ﷺ مخالفت نمایند.

حال آیا مخالفت با پیامبر ﷺ نزد شما جایز است؟ اینجا دقیقاً همان محل درماندگی علما اهل سنت است. بی‌اساس‌تر از این سؤال، پاسخ‌هایی است که برای آن ارائه می‌کنند.

- ۱ - ممکن است که پیامبر ﷺ در مسأله‌ای به اشتباه، رأیی را طبق اجتهاد خود صادر کنند ولی نکته‌ای را از خارج می‌دانیم و آن اینکه قبل از اینکه پیامبر ﷺ راه اشتباهی را طی کنند خداوند ایشان را متنبّه کرده و راه درست را به حضرت یادآوری می‌کند. لذا چون خداوند، پیامبر ﷺ را از پیمودن راه اشتباه در امان نگه می‌دارند؛ پس نمی‌توانیم با گفتهٔ پیامبر ﷺ مخالفت کنیم^(۱).
- ۲ - در مورد این مسأله اجماعی موجود است و آن اینکه هر کجا پیامبر ﷺ سخن و رأیی را صادر فرمودند حتی اگر از اجتهادات شخصی ایشان بود ما حق مخالفت نداریم و باید رأی ایشان را بپذیریم^(۲).

نقد این سخن؛

این افراد برای اینکه در دام مخالفت با رأی پیامبر ﷺ گرفتار نشوند؛ خواسته و ناخواسته دچار اشتباه دیگری شده‌اند. طبق این قول، اعتبار اجماع بالاتر از قول خود پیامبر ﷺ می‌باشد؛ یعنی اگر اجماع نبود نمی‌توانستیم با

۱- الفصول في الاصول، جلد ۳ صفحه ۲۴۲.

۲- همان.

قول آمده‌ی یکی از علمای اهل سنت؛

آمدی، کتابی در علم اصول به نام «الاحکام فی اصول الاحکام» در ۴ جلد نگاشته است. وی در جلد چهارم کتاب خود می‌گوید: بین علمای اهل سنت در این مسأله اختلاف است که آیا پیامبر ﷺ می‌توانند در مواردی که از طرف خداوند، وحی و دستوری نیامده است به اجتهاد شخصی خود عمل نمایند؟ سپس می‌گوید: اکثر علمای ما و حنبلی‌ها و اهل حدیث و جماعتی از معتزله قائل به اجتهاد پیامبر ﷺ هستند^(۱). او در ادامه برای این ادعای خود ادله‌ای را اقامه می‌کند.

۱- ﴿عَفَا اللَّهُ عَنْكَ لِمَ أَذْنَتْ لَهُمْ﴾^(۲).

خداوند تو را بخشید، چرا به آنان اجازه دادی؟

که توضیح آن در سطور قبل گذشت.

۲- ﴿مَا كَانَ لِنَبِيِّ أَنْ يَكُونَ لَهُ أُسْرَىٰ حَتَّىٰ يَشْتَرِيَ فِي الْأَرْضِ﴾^(۳).

هیچ پیامبری حق ندارد اسیرانی از دشمن بگیرد تا کاملاً بر آنها پیروز

گردد و جای پای خود را در زمین محکم کند.

طبق این آیه هیچ پیامبری حق ندارد اسیران را در مقابل دریافت فدیة آزاد

۱- الاحکام، جلد ۴ صفحه ۱۶۴.

۲- سوره توبه، آیه ۴۳.

۳- سوره انفال، آیه ۶۷.

کند؛ بلکه باید آنقدر جنگید تا ناپاکان از روی زمین محو شوند، سپس اسراء را آزاد کرد. بنا بر این پیامبر ﷺ که دستور آزادی اسرا را صادر کردند دچار اشتباه شدند و بعد می‌گویند:

«لو نزل من السماء إلى الأرض عذاب ما نجى منه إلا عمر»^(۱).

اگر عذاب خداوند از آسمان به زمین می‌رسید همه عذاب می‌شدند به غیر از عمر.

یعنی حتی پیامبر ﷺ هم چون اشتباه کرد عذاب می‌دید ولی عمر چون با این عمل مخالفت کرد عذاب نمی‌شود؛ یعنی عمر هم اجتهاد کرد و به واقع رسید. او با این بیان می‌خواهد این مخالفت را نوعی فضیلت و منقبت برای عمر محسوب می‌کنند.

۳- ﴿قُلْ إِنَّمَا أَنَا بَشَرٌ مِّثْلُكُمْ﴾^(۲).

ای پیامبر! به مردم بگو من هم بشری مانند شما هستم.

در بیان استدلال به این آیه می‌گویند: یعنی بین پیامبر ﷺ و مردم مماثله هست، پس همان طور که مردم اشتباه می‌کنند پیامبر ﷺ هم دارای اشتباه می‌باشد. و این یک قاعده اصولی است و مورد اتفاق همه که:

«ما جاز علی أحد المثلیین یكون جائزاً علی الآخر»^(۳).

یعنی حکم مماثل‌ها در آن چیزی که جایز است یا جایز نمی‌باشد یکی است.

۱- الاحکام، جلد ۴ صفحه ۱۶۶.

۲- سوره کهف، آیه ۱۱۰.

۳- الاحکام، جلد ۴ صفحه ۲۱۶.

۳- دلیل دیگر آمدی روایتی است که از پیامبر ﷺ نقل می‌کند:

«إِنَّمَا أَنَا بَشَرٌ مِثْلُكُمْ أَنَسَى كَمَا تَنْسُونَ فَإِذَا نَسِيتُ فَاذْكُرُونِي»^(۱).

من بشری همانند شما هستم، فراموش می‌کنم همچنان که شما فراموش می‌کنید، پس اگر فراموش کردم به من یادآوری کنید.

۴- پیامبر اکرم ﷺ در جای دیگر می‌فرماید:

«إِنَّمَا أَحْكَمُ بِالظَّاهِرِ وَإِنِّكُمْ لَتَخْتَصِمُونَ إِلَيَّ وَلَعَلَّ أَحَدَكُمْ أَلْحَنُ بِحِجَّتِهِ مِنْ صَاحِبِهِ فَمَنْ حَكَمْتُ لَهُ بِشَيْءٍ مِنْ مَالِ أَخِيهِ فَلَا يَأْخُذْهُ»^(۲).

به درستی که که من طبق ظاهر حکم می‌کنم و هنگامی که شما برای رفع خصومت پیش من می‌آیید و ممکن است یکی از شما با سخن گفتن زیبا من را وادار کند که به نفع او حکم کنم پس اگر من به نفع او حکم کردم در حالی که می‌داند اشتباه کرده‌ام حق ندارد آن مال را بگیرد. در این روایت پیامبر ﷺ می‌فرماید: ممکن است من هم اشتباه کنم و اگر شما رأیی بهتر دارید با من مخالفت کنید.

۵- روایتی دیگری در صحیح مسلم و بخاری نقل شده است که پیامبر ﷺ

در نماز اشتباه کردند و نماز چهار رکعتی را دو رکعت خواندند بعد شخصی به نام ذی الیدین که آنجا بود به پیامبر ﷺ گفت:

«أَقْصَرْتَ الصَّلَاةَ أَمْ سَهَوْتَ؟».

آیا نماز کوتاه شده یا شما اشتباه کردید؟

۱- الاحکام، جلد ۴ صفحه ۲۱۶.

۲- الاحکام (آمدی)، جلد ۴ صفحه ۱۸۶.

بعد پیامبر ﷺ رو به نماز گزاران کردند و فرمودند:

«أحقُّ ما يقول ذوالیَدين؟ قالوا: نعم»^(۱).

آیا ذی الیدین درست می‌گوید؟ نماز گزاران عرض کردند: بله یا

رسول الله ﷺ.

نقدی بر ادله اهل سنت؛

قبل از پاسخ به این شبهه‌ها نکاتی را عرض می‌کنیم و بعد وارد بحث می‌شویم. علمای اهل سنت با این سخنان نه تنها عصمت پیامبر ﷺ بلکه وجوب تأسی به پیامبر ﷺ را هم زیر سؤال برده و انکار می‌کنند در حالی که ما به نص صریح قرآن و روایات موظف هستیم از پیامبر اکرم ﷺ پیروی کرده و به او تأسی نمائیم نمونه‌هایی از دستور صریح قرآن عبارت است از:

۱- ﴿مَا آتَاكُمُ الرَّسُولُ فَخُذُوهُ وَمَا نَهَاكُمْ عَنْهُ فَانْتَهُوا﴾^(۲).

آنچه را رسول خدا برای شما آورده بگیرید و اجر کنید و از آنچه نهی کرده خودداری نمایید.

۲- ﴿لَقَدْ كَانَ لَكُمْ فِي رَسُولِ اللَّهِ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ﴾^(۳).

مسلماً برای شما در زندگی رسول خدا سرمشق نیکویی بود.

اصرار و پافشاری کورکورانه و متعصبانه بر مکتب عدالت صحابه و خلفا،

۱- مسند احمد، جلد ۲ صفحه ۴۲۳ و صحیح بخاری، جلد ۲ صفحه ۶۶.

۲- سوره حشر، آیه ۷.

۳- سوره احزاب، آیه ۲۱.

علمای اهل سنت را به این سمت و سو کشانده که حتی خدا را در تشریح مسلوب الارادة می‌دانند و می‌گویند حکم خداوند طبق آراء مجتهدین شکل می‌گیرد و خداوند در لوح محفوظ و عالم واقع هیچ حکمی ندارد. اگر مجتهدی فتوایی صادر کرد حکم خدا هم همان می‌شود و همان را در لوح محفوظ به عنوان حکم می‌نگارد. طبق نظر آنها اگر در مورد موضوعی ۱۰ نفر از فقهاء ۱۰ حکم مخالف دادند خداوند هم هر ۱۰ حکم مخالف را در لوح محفوظ ثبت می‌کند. و صاحب معالم وقتی در کتاب معالم این قول را از علمای اهل سنت نقل می‌کند می‌گوید: اشکالات فراوانی بر این نظریه وارد است^(۱).

این چه نسبتی است که به خداوند می‌دهند؟! البته آنها چاره‌ای جز اینکه مقام عصمت را زیر سؤال برده و انکار کنند و از طرفی لوح محفوظ را انکار کنند، ندارند؛ چرا که در غیر این صورت باید مذهب اجتهاد به رأی را تخطئه کنیم و مخالفت‌های صحابه را کفر بدانیم.

حاصل و فهرستی از مباحث گذشته؛

- بنابر آنچه گفته شد طبق نظر علمای اهل سنت، نتایج ذیل حاصل می‌شود؛
- ۱ - پیامبر ﷺ فقط در تلقی و ابلاغ وحی معصوم می‌باشند و در موارد دیگر با مردم هیچ تفاوتی ندارد و حتی ممکن است کسی بهتر از پیامبر ﷺ اجتهاد کرده و رأی صادر کند.
 - ۲ - دلیل لزوم اطاعت از پیامبر ﷺ اجماع است. اگر اجماع نبود لزومی هم

۱- معالم الدین، صفحه ۲۴۲.

- در اطاعت نبود. پس اعتبار اجماع بیشتر از گفتار خود پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ می باشد؛ زیرا با رأی رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ می توان مخالفت کرد ولی مخالفت با اجماع معنی ندارد.
- ۳ - دلیل اصلی و اساسی عدم مخالفت با رأی پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ حفظ نظام اسلامی است؛ حال اگر موردی موجب اختلال نظام اسلامی نشود، مخالفت با قول ایشان مشکلی ندارد.
- ۴ - مخالفت با پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ مستند به گفته های خود پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ می باشد؛ زیرا خود ایشان فرمودند که اگر اشتباه کردم به من یادآوری کنید و طبق این بیان مخالفت های خلیفه دوم با رسول الله صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فضیلت و منقبتی برای او به شمار می آید.
- ۵ - علم پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ به لوح محفوظ را انکار می شود و در واقع پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ برای دستیابی به حکمی باید راه های ظنی و اجتهادی را طی کنند.

« وَالسَّلَامُ عَلَيْكُمْ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ »

خودآزمایی؛

- ① علمای اهل سنت برای رفع تعارض بین رفتار خلفا و مخالفت با پیامبر ﷺ چه کرده‌اند؟
- ② چهار نمونه از دلایل جصاص را در مورد جواز اشتباه پیامبر ﷺ بیان کنید.
- ③ جصاص در مورد مخالفت با فرامین پیامبر ﷺ چند نظر را مطرح می‌کند و کدام را می‌پذیرد؟
- ④ دو نمونه از مشاوره‌های پیامبر ﷺ را که اهل سنت به عنوان مؤید مخالفت با پیامبر ﷺ ذکر می‌کنند، نام ببرید.
- ⑤ آیه ۴۳ سوره توبه از نظر اهل سنت چگونه خطای پیامبر ﷺ در گفتار را ثابت می‌کند؟
- ⑥ جصاص در پاسخ به اینکه آیا پیامبر ﷺ دچار اشتباه می‌شوند و اینکه آیا مخالفت با ایشان جایز است چه نظری دارد؟
- ⑦ آمدی برای اثبات ادعای خود از آیه آخر سوره کهف چه نتیجه‌ای می‌گیرد؟
- ⑧ قبول اینکه پیامبر ﷺ دچار اشتباه می‌شوند چه مفاسدی را به دنبال دارد؟
- ⑨ علت تمایل اهل سنت به نظریه خطای پیامبر ﷺ در آرای شخصی چیست؟
- ⑩ در نگاه اهل سنت اجماع معتبرتر است یا قول پیامبر ﷺ؟ توضیح دهید.

علمای اهل سنت با این سخنان نه تنها
عصمت پیامبر ﷺ بلکه وجوب تأسی به
پیامبر ﷺ را هم زیر سؤال برده و انکار
می‌کنند در حالی که ما به نص صریح قرآن و
روایات موظف هستیم از پیامبر اکرم ﷺ
پیروی کرده و به او تأسی نمائیم.
(صفحه ۱۶ از همین جزوه)

■ محل عرضه CD جلسات به سوی معرفت:
ابتدای خیابان امام، جنب قائمیه، فروشگاه آوای مهر.
■ شماره سیستم پیام کوتاه (SMS) ۳۰۰۰۷۲۲۷۰۸ می‌باشد.
■ در صورت تمایل به دریافت پیام کوتاه جلسات، شماره تلفن
همراه خود یا دوستانتان را با نام به سیستم ارسال کنید.

محل برگزاری جلسات:

کاشان: حسینیه مرحوم آیت الله یثربی رحمته
تلفن: ۴۴۴۴۳۴۳ - ۴۴۴۵۲۷۷ شماره: ۴۴۴۹۹۳۳
پست الکترونیک: info@yasrebi.ir
www.yasrebi.ir